

<div><div> </div><div>روزنامه</div></div>
<div> <div><div> </div><div>شهردار</div></div></div>

فاهم‌نگه

گریز از دایره‌های تکرار



«علی داریا

▲ شاعر و عکاس

– استراگون!! استراگون عزیز! عاشق نوآوری‌های توام، دروغ نگم تو هم متوجه شدی نون توی انبوه‌سازی مسکن و قالب کردن آپارتمان‌های قوطی‌ کبریتی و لونه کبوتری به خلقی...است. یه نوع –نمی‌گم فرصت‌طلبی بلکه –فرصت‌جویی در نیاز مردم به خونه‌های بیست و پنج متری و خدارو چی دیدی شایدم پانزده متری، نه، خیلی بد نیست، توجیه داره، خدمت کردن به مردم الاخوان بالاخون و بی‌خانه کار خدا پسندانه‌ای است. بر منکرش لغت!

– معلوم هست چه می‌گویی ولادیمیِر؟! من و برج‌سازی و انبوه‌سازی، از صبح همچنان گرد این دایره‌هایی که من روی زمین ترسیم کرده‌ام می‌چرخم و کلمات به هم می‌بافی، آخر به قول خودت مرد کسبابی و تا اندازه‌ای کنایی! درایت و تدبیرت به کجا پرتاب شده است؟!

– آخه داداش من دیدم توو این زمین صاف اخداداه با گچ رنگ ریختی، گفتم لابد تو هم اومدی تو لاین تجارت و اقتصاد و یه شبه می‌خوای بری بالای سرج و بنت‌هاوس و برای خودت نون و آبی، کاسمی، آینده‌ای. فکر کردم حکما فهمیدی بی‌مایه فطیره و عصیان کردی علیه بی‌کلاه موندن سرر پر ریخته‌ات تو این وانفاس...

– نه! به قول خودت نه!! نوکرتم! آخر تو کدام اظهار نظر را از من مشاهده کرده‌ای که این فکر و خیال بیهوده به سرت زده است. به قولی ستون‌نویس تصدقت ایسن وصله‌ها به من نمی‌چسبید

– خوب حالا به من حق بده، فکر کردم پس‌اندازی، قلکی، چه می‌دونم راتی، زبونم لال، زدنبدو اختلاس و مختلاسی، خلاصه وسوسه شدیدی خودت رو برسونی به بعضی آدمای نوکیسده که دری به تخته خورده و تو هم داری خودتو می‌کشی اون بالا بالاها؟! حالا اگه اینا که گفتم نیست و موارد گفته شده رو کلهم تکذیب می‌کنی، پس بنال ببینیم این دایره‌های تو در تو چی هستند؟!

– و اما حکایتی این دایره‌ها، پرسشی نو و

طاقه تاریخی

ترور ملک عبدالله در مسجدالاقصی

ملک عبدالله اولین پادشاه کشور اردن هاشمی در ۲۱دسامبر سال ۱۸۸۲م در شهر مکه متولد شد.

پدروی شریف حسین امیر مکه بود. ملک عبدالله مقدمات علوم ادبی را در اسلامبول فرا گرفت و در ۲۸سالگی به عنوان نماینده شهر مکه در مجلس نمایندگان عثمانی حضور یافت. وی در سال ۱۹۱۶م همراه پدرش در انقلاب عربی شرکت کرد و پادگان نظامی عثمانی در شهر طائف را به تصرف خویش درآورد.

در ماه مارس ۱۹۲۱ دولت انگلستان، تصمیم به برپایی امیرنشین اردن به سرکردگی امیر عبدالله گرفت.

انتخاب وی نشان‌دهنده سرسپردگی او نسبت به دولت انگلستان بود، سپس عازم آمان شد و پس از ملاقات با چرچیل وزیر وقت مستعمرات انگلستان در بیت‌المقدس، مقدمات حکومت خود را فراهم ساخت.

براساس توافق و پیمان همکاری انگلیس و اردن در سال ۱۹۲۶م نام این منطقه په مملکت اردن‌هاشمی تغییر یافت و امیر عبدالله با عنوان ملک عبدالله پادشاه اردن زمام امور را به دست گرفت و مدت ۲۵سال در این سمت باقی ماند. وی بعد از جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری اسرائیل رهبری اعراب در جنگ با این رژیم را بر عهده گرفت که نتیجه آن شکست اعراب و تحکیم موجودیت رژیم غاصب اسرائیل بود.

ملک عبدالله در حال عب از علت دشمنی عمیق با خاندان سعودی در عربستان به دنبال تصرف سوریه و لبنان و اجرای طرح سوریه کبیر بود.

و این مسئله باعث شده بود تا وی بخش‌هایی از فلسطین را که در جریان جنگ با اسرائیل به تصرف درآورده بود، در اختیار بگیرد و به دنبال یک پارچه کردن این مناطق، تحت حاکمیت اردن باشد.

به همین دلیل روابط ملک عبدالله با

یادهمین روز ازکا محمدعلی

نگاهی به شعر زهره یوسفی و فروغ فرخزاد

و اینجا ... پروانه‌ها

دئای کل آغاز می‌شسود و بعد به سمت دوم شخص حاضر و غایب و پس از آن باز به سمت شخص اول می‌رود. شاعر دارد با کسی حرف می‌زند. بند نخست بیان این شعر مثل بند اول شعر فروغ انگار در شبی غلیظ و ظلمتی فراگیر استارت می‌خورد؛ مخصوصا وقتی که یوسفی در آغاز شعر با تاکید بر حرف ربط «و» شروع می‌کند. این «واو قطعیت» را حافظ با وجه شدیدیتر آورده است: «دفتر دانش ما جمله بشوید به می‌ا/که فلک دیدم(و) در قصد دل دانا بود». حافظ با این «واو» که به معنی «یاور کنید، می‌دانم و تجربه کرده‌ام که روزگار همواره در قصد دل افراد دانااست و به دانایان رحم نمی‌کند. همین‌طور یوسفی این «واو» را بر پیشانی مطلب می‌آورد. یعنی پیش از این هم این‌گونه بوده است و «قطعا» هنوز ادامه دارد که در این ظلمات، چیزی برای دست‌های تو تیر می‌کشد. تو در ازدحام طولانی‌ترین خاطره که در ذهن من چرخ می‌خورد، می‌میری. تمت مثل گردوغبار در اینجا و در این زمان پراکنده شده و عشق تو مثل آژایمری ممتد است که ترجیح می‌دهد این آژایمر ادامه داشته باشد و من دوست دارم تعادل به همین صورت به هم بخورد.چه چیز عامل به هم خوردن تعادل راولی در این شسب سیاه شده است؟ لیخندی که در دورترین اتفاق ممکن دیده می‌شود. لیخندهایی که گویا نه بر لب، که بر چشم‌های کسی، از دور بر «زدبک‌ترین ترانه زندگی» راولی رویده است. انگار شاعر در خواب به سر



▲ فیض شریفی

▲ منتقد و پژوهشگر ادبیات

«و این جا چیزی برای توبرای دست‌های تیر می‌کشد و کشته می‌شوی»در ازدحام طولانی‌ترین خاطره‌البریز از گرد و غبار نرات/ بیرون می‌روی در آژایمری ممتد،که ترجیح می‌دهد تعاملی به تعادل نرسد،در مرز این اتفاق آن جادر دورترین اتفاق ممکن لیخند می‌زنی‌او من چشم‌هایت را چشم‌هایت‌رالز نزدیک‌ترین ترانه زندگی‌ام جای می‌دهم-فریادم بر باد می‌رود و بال غزل می‌سوزد در امتداد شمع‌ی ساکت‌نزدبک‌تر بیابارونه‌ها همیشه جایی با تکیه بر عشق می‌سوزند!گوشه لیخندهای تو جایی که آغاز بودن است...». فروغ در شعر «هدیه» می‌گوید: «من از نهایت شسب حرف می‌زنم!من از نهایت تاریکی‌او از نهایت شسب حرف می‌زنم!اگر به خانه من آمدی برای من ای مهربان چراغ بیابور!و یک دریچه که از آن به ازدحام کوچه خوشبخت بنگرم».شعر فروغ مثل شعر «و اینجا و پروانه‌ها» زهره یوسفی، ترسیم‌ناپذیر است. ولی از نظر تراکم احساس و قدرت تأثیر‌گذاری، شعر یوسفی در مرتب‌های والاتری از شعر «هدیه» قرار می‌گیرد. به نظر می‌آید هر دو شعر هنگام اضطراب و موقعیتی همسان سروده شده‌اند. بخش نخست شعر یوسفی برخلاف شعر فروغ، با بیان سوم شخص

داستانک



▲ نویسنده

چند وقتی است که هیچ‌چیز وجودم سر جای خودش نیست، تن و بدنم راه خودش را می‌رود و فکرم به هزار کوچه و پس‌کوچه تارک زندگی‌ام سرک می‌کشد. انگار دستان پنهنانی مرا از چند طرف گرفته‌اند و می‌کنسند، آن چنان با قدرت که چیزی نمانده متلاشی بشوم. خیلی وقت است خودم را حبس کرده‌ام. ساعت‌ها به جایی خیره می‌مانم. نشانه‌های حیات را پس می‌زنم، اما فکرم لحظه‌ای آرام نمی‌گیرد. به زور گاهی از خانه بیرون می‌روم، کمی پیاده‌روی می‌کنم و بی‌حاصل‌تر از پیش برمی‌گردم؛ یک‌تلاش عجیب برای خسته‌کردن خودم، شاید شسب چشم‌هایم بتواند کمی راحت‌تر روی هم برود. خواب شسب اما کلبوس وحشتناکی است. یا دیوانهوار طلبش می‌کنم و هنوز شروع‌نشده آن چنان دست و پا می‌زنم تا این کلبوس را بشکنم یا ساعت‌ها با سیاهی شسب و بی‌خوابی جنون‌آمیز گلاویز می‌شوم و صبح خسته‌تر از روز پیش بیهودگی‌ها را از نسو آغاز می‌کنم؛ یا چنان دردی در وجودم که انگار از جنگی شکست‌خورده جان سالم به

بنا

آری! گفته بودی حوصله‌اش را نداری، باشد من دارم به این فکر می‌کنم که چگونه می‌توانم این دایره‌های تکرار را در هم بریزم و با تغییراتی مناسب در زندگی‌ام کمی روی این تکرارهای دایره‌وار را در هم بریزم و به قول حضرت حافظ: چرخ برهم زنم ار غیر مرادم گردد.

– راستش دروغ چرا، منم شیفته ایده تغییرت شدم، بدم نمیداد دنبال راه بیغتم و به این فکر کنم که چطورمی میشه مسردن در تله تکرارها خودم رو خلاصی کنم!

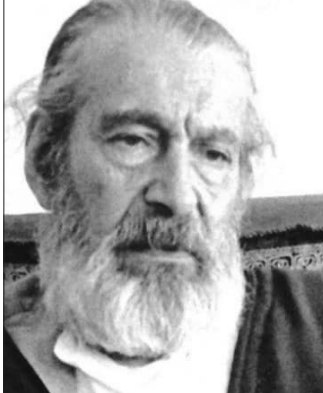
– پس بچرخ تا بچرخیم!

دئای کل آغاز می‌شسود و بعد به سمت دوم شخص حاضر و غایب و پس از آن باز به سمت شخص اول می‌رود. شاعر دارد با کسی حرف می‌زند. بند نخست بیان این شعر مثل بند اول شعر فروغ انگار در شبی غلیظ و ظلمتی فراگیر استارت می‌خورد؛ مخصوصا وقتی که یوسفی در آغاز شعر با تاکید بر حرف ربط «و» شروع می‌کند. این «واو قطعیت» را حافظ با وجه شدیدیتر آورده است: «دفتر دانش ما جمله بشوید به می‌ا/که فلک دیدم(و) در قصد دل دانا بود». حافظ با این «واو» که به معنی «یاور کنید، می‌دانم و تجربه کرده‌ام که روزگار همواره در قصد دل افراد دانااست و به دانایان رحم نمی‌کند. همین‌طور یوسفی این «واو» را بر پیشانی مطلب می‌آورد. یعنی پیش از این هم این‌گونه بوده است و «قطعا» هنوز ادامه دارد که در این ظلمات، چیزی برای دست‌های تو تیر می‌کشد. تو در ازدحام طولانی‌ترین خاطره که در ذهن من چرخ می‌خورد، می‌میری. تمت مثل گردوغبار در اینجا و در این زمان پراکنده شده و عشق تو مثل آژایمری ممتد است که ترجیح می‌دهد این آژایمر ادامه داشته باشد و من دوست دارم تعادل به همین صورت به هم بخورد.چه چیز عامل به هم خوردن تعادل راولی در این شسب سیاه شده است؟ لیخندی که در دورترین اتفاق ممکن دیده می‌شود. لیخندهایی که گویا نه بر لب، که بر چشم‌های کسی، از دور بر «زدبک‌ترین ترانه زندگی» راولی رویده است. انگار شاعر در خواب به سر

در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته

در برده‌ام، چیزی که این روزها بیش‌تر به آن فکر می‌کنم این است که اگر بیست سالم بود و عقل الان را داشتم، حتماً خیلی کارها می‌کردم. جسر‌ها‌به خرج می‌دادم. تصمیم‌های بزرگی می‌گرفتم.برای رسیدن به‌خواسته‌هایم بافشاری بیش‌تر می‌کردم. ماجراجویی‌های بیش‌تری‌از سر می‌گذراندم. خودم را درگیر پیش‌یافته‌ها نمی‌کردم. شاید کوچ می‌کردم. خطر را به جان می‌خریدم و دنیای جدیدی را تجربه می‌کردم. حتماً کتاب‌های بیش‌تری می‌خواندم. به سفر می‌رفتم. شهرهای زیبای می‌هستند که ازروی دیدن‌شان را دیگر فقط به‌خواب‌هایم می‌برم. بسیاری یاد می‌گرفتم، حتی شاید به چند زبان خارجی حرف می‌زدم.زیستن رازندگی می‌کردم. در یک کلام از زندگی‌ام لذت می‌بردم. شاید حالا حالم بهتر بود. شاید حالا تصویر زن درون آینه، لیخندی هرچند بی‌ررق‌کنج لب‌هایش نشسته بود اما می‌دانید چه چیز می‌تواند از این هم ترسناک‌تر باشد، از این فکر که زمانی به این زبایدی را بیهوده از دست داده‌ام! این‌که با خود می‌گویم اگر در چهل سالگی‌ات همین حرف را راجع به سی‌سالگی‌ات ردی چی‌؟! اگر یک روز خسته‌تر از حالا نگاهی به پشت سرت انداختی و جز بی‌حاصلی تاریزی از تو به جا نمانده بود چی‌؟ و از آن بدتر، اگر قرار باشد این دور باطل

جلال الدین همایی؛ از شعر تا ریاضی



در دانشگاه‌های بیروت و لاهور تدریس کرد. استاد همایی شعر هم می‌سرود و سنا تخلص می‌کرد. بیش از ۱۵هزار بیت و در دیوان سنا به‌کوشش دخترش به‌چاپ رسیده است. از مشهورترین اشعار او شعری در وصف مسجد کبود تبریز و تاسف از ویرانی آن است. او در فن سرودن ماده تاریخ نیز چیره دست بود و از جمله ماده تاریخ وفات خود را پیش از وفات سرود!جلال الدین همایی در ۲۹ تیر ۱۲۵۹ و در ۸۱ سالگی درگذشت و در تخت فولاد اصفهان به‌خاک سپرده شد. برخی از آثار همایی: تاریخ ادبیات ایران ۲ جلد، غزالی نامه «شرح حال امام محمدغزالی»، تصحیح کتاب‌تصحیحه‌الملوک‌امام محمد غزالی، تصحیح مثنوی ولدنامه با مقدمه مفصل، تصحیح کتاب التفهیم ابوریحان بیرونی با تحقیقات مفصل، تصحیح کتاب مصباح‌الهدایه

زیادتی نیست

کمال است در نفس مرد کریم
گوش زر نباشد چه نقصان و بیم؟
میندار اگر سفله قارون شود
که طبع لیمیش دگرگون شود
و گر درنیابد کرم پیشه، نان
نهادش توانگر بود همچنان
مروت زمین استی و سرمایه زر
بده کاصل خالی نماند ز فرع
خدایی که از خاک مردم کند
عجب باشد ار مردمی گم کند

متن کلامی

آناکرونیسم (Anachronism):

خارج شدن از ادراک مبتنی بر تاریخ و معیارهای بیگانه با یک دوره یا فرهنگ.
بیشتر کاربرد این واژه در مورد عدم رعایت اصل توالی و ترتیب در تاریخ‌نگاری است.
از آنجا که نظم زمانی به لحاظ صورتی مبتنی بر نظم زمانی و از نظر مضمونی مبتنی بر رابطه علی میان رخدادها است، هرگونه آناکرونیسم موجب اشتباه فاحش در ادراک منظم و علی وقایع خواهدشد.
در حقیقت عدول از کروئولوژی موجب فروغلتیدن در آناکرونیسم می‌شود و بیان آناکرونیسم وقایع اساسا هرگونه سازماندهی تاریخی یا تاز یخمدن را غیرممکن و هرگونه استنتاج و استنباط منطقی را مشکل خواهد ساخت.
لذا آناکرونیسم اصولاً عدول از تاریخ‌نگاری است و تاریخ از این حیث با کلیه علوم متفاوت می‌شود.

درست‌نویسی

درست‌نویسی کلمه پرسش:

- چگونه می‌توان با تمرین و تلاش، به کمال رسید؟
- آیا چگونه می‌توان با تمرین و تلاش، به کمال رسید؟
جمله دوم، نادرست است؛ زیرا به همراه کلمه پرسشی «چگونه»، نیازی به آوردن کلمه پرسش دیگر مانند «آیا» نیست. به سخن دیگر، ما هم به کار بردن دو یا چند کلمه پرسش در یک جمله، روانیست؛ اما هر کدام را به تنهایی می‌توان در جمله‌ای به کار گرفت.

تاریخ

تبدیل وضعیت



▲ مه‌رگان مسلمی

▲ کارشناس حقوق

رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری؛ تبدیل وضعیت پیمانی به رسمی با ۸ سال سابقه خدمت پیمانی در رأی جدید دیوان، تصویب آیین‌نامه اجرایی نحوه تبدیل وضعیت استخدامی کارکنان پیمانی به رسمی در سال ۱۳۹۶ باعث لغو حکم قانون تبدیل نیروی انسانی مبنی بر «تبدیل وضع مستخدمین پیمانی به رسمی با داشتن ۸ سال سابقه خدمت به صورت پیمانی در همان دستگاه» دانسته شده است. از جمع این رأی با رای قبلی، تبدیل وضعیت تکلیفی فقط مختص آنهایی است که تا قبل از قانون برنامه پنجم بیش از ۸ سال سابقه خدمت پیمانی داشته‌اند.

مجازستان

- یارو رفته فرامی‌داید شام میگه توی این برنامه شرکت کردم تا ببینندها با غنای ایران آشنا بشن.حالا ببینندها کین؟ ایرانی‌ان می‌خوام بگم حتی اینم نونسته بره خارج… ما خیلی کاهلی کردیم.
- تحقیقات میگه ذهن انسان مثل ماهیچه عمل می‌کنه مثلاً اگر یکی دائم از بقیه عیب‌پایی کنه سیستم عیب‌پای ذهنش قوی میشه! متأسفانه ایراد ذهنی که این جور میشه ایته که اگر یک روز عیبی در بقیه نبینه خودش به زور روی افراد میذاره. برای سلامت روان خودتون هم که شده خیدندل عیب‌دیگران نباشید **(مجیدمیرزایی)**
- چرا باید از فیتزا گفتن مادر بزرگم تو فست فودی خجالت بیکشم؟؟؟ مگه یه پیزرن اینتالیایی میتونه بگه بغور بفر؟؟؟
- اصغر فرهادی پس از دریافت جایزه جشنواره کن: ایمان دارم، یکی از مهم‌ترین راههای نجات کشورم «گاهی بخشی» است.بابا تو چجوری می‌خوای به ما آگاهی بدی؟ ما هنوز نمی‌دونیم اون مرده رفت تو حموم یا نه؟ **(آقای خاص)**

زیادتی

چینی‌ها روی تپه‌های شنی مریخ

مرکز برنامه فضایی و اکتشاف ماه سازمان ملی فضایی چین اخیراً اعلام کرد که مریخ‌نورد آن‌ها موسوم به «ژورونگ» (Zhurong) تا شب شنبه بیش از ۵۰۹ متر بر روی سطح سیاره سرخ حرکت کرده است. مریخ‌نورد چینی در سفر خود به سیاره سرخ به زودی به تپه شنی دوم خواهد رسید. سازمان ملی فضایی چین گفت این مریخ‌نورد در این مأموریت جدید یک بررسی دقیق از تپه شنی و محیط اطراف آن انجام خواهد داد. تا روز شنبه «ژورونگ» ۶۳ روز مریخی در سطح سیاره سرخ فعالیت داشته است. یک روز مریخی تقریباً ۴۰ دقیقه بیشتر از یک روز زمینی است. «تیان‌ون-۱» در ماه فوریه ۲۰۲۰ سوار بر موشک «لانگ‌مارچ بی‌۵» به مدار مریخ رسید. این فضاپیما که سطح‌نورد «ژورونگ» به آن متصل بود، پس از گذراندن بیش از سه ماه در مدار از مدارگرد جدا شده و سفرش به سمت سطح مریخ را آغاز کرد. «تیان‌ون-۱» پس از ورود به جو مریخ، «هفت دقیقه وحشت» را که سطح‌نورد ناسا تجربه کرده بود، گذراند. یک سپهر حرارتی از این فضاپیما هنگام ورود به جو محافظت کرد و سپس چترهای آن باز شد و مریخ‌نورد بر روی منطقه‌ی Utopia Planitia فرود آمد. «ژورونگ» اندازه‌ای مشابه یک خودروی کوچک دارد و وزن آن ۵۳۰پوند(۲۴۰ کیلوگرم) برابر با یک چهارم وزن دو مریخ‌نورد ناسا یعنی «کنجکاوی» و «استقامت» است. ایسن مریخ‌نورد در روز ۲۲ مه(۱ خرداد) کار خود را در مریخ آغاز کرد. طبق گفته سازمان ملی فضایی چین، «ژورونگ» و «تیان‌ون-۱» در شرایط عادی هستند و زیر سیستم‌های آنها به طور عادی کار می‌کنند.

Ricardo Bermudez

دریچه